



آپارتمان نشینی در شهرهای ایرانی - اسلامی و مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن (مطالعه موردی: شهر تبریز)

محسن احدنژاد روشتی¹*، رحیم غلامحسینی²، شاهرخ زادولی خواجه³

1- استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان، 09122416029،
ahadnejad@gmail.com، 2- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه زنجان
r.gholamhosseini@gmail.com، 09183627488

3- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه
زنجان، shah.rokh68@yahoo.com

چکیده

افزایش سریع جمعیت شهرنشین و گسترش افقی شهرها در مناطق پیرامون، بسیاری از جوامع را بر آن داشته که توجه به مسکن را به عنوان یکی از اولویتهای مهم برنامه های توسعه خود قرار دهند. به دنبال این پدیده، بلند مرتبه سازی و آپارتمان نشینی نیز تقریباً بعد از انقلاب صنعتی که افزایش شتابان جمعیت شهری را به دنبال داشت، مطرح گردید. در کشور ما نیز افزایش سریع جمعیت شهرها و گسترش شهرنشینی طی دهه های اخیر و افزایش تقاضا برای مسکن، از یکسو، کمبود زمین و بالا بودن قیمت آن از سوی دیگر، مردم را به سوی زندگی آپارتمانی سوق داده و می دهد. شهر تبریز به دلیل مرکزیت استان و مهاجرپذیری و بالا بودن نرخ رشد طبیعی جمعیت، طی چند دهه اخیر شاهد رشد بی سابقه جمعیت شهرنشین بوده است. افزایش سریع جمعیت شهری که حاصل آن از هم گسیختگی پیوندهای اجتماعی خانواده ها و تضعیف سنت های فرهنگی در اغلب شهرهای بزرگ کشور بوده است، موجب بروز مشکلات فراوانی در روابط اجتماعی افرادی که در مجتمع های مسکونی زندگی می کنند گردیده است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی، تحلیلی و تبیینی است. یافته های پژوهش نشان می دهد تأمین مسکن برای جمعیت رو به رشد شهرها چاره ای جز توسعه روز افزون ساخت و ساز آپارتمان و گسترش آپارتمان نشینی باقی نمی گذارد. پدیده جدید آپارتمان نشینی مناسبات اجتماعی خاص خود را دارد. اولین معضلی است که فرد با آن روبه رو می شود. افراد به جای دارا بودن فرهنگ «فاصله اجتماعی» در این سبک زندگی شهودی، عملاً شهرنشینانی هستند که از زندگی (روستایی) جدا گردیده و در عین حال، با فرهنگ جدید غریبه بوده و به اصطلاح شهرگرا نشده اند؛ لذا در جریان انتقال از فرهنگی به فرهنگ جدید دچار تضاد و تناقض گشته و عملاً به حاشیه فرهنگی شهر رانده شده اند. نتایج حاصل از این پژوهش نیز بیانگر آن است که آپارتمان نشینان، با شرایط سکونت در آپارتمان سازگاری لازم را نیافته و اجبار در پذیرش این نوع سکونت مغایر با فرهنگ و نگرش جامعه سنتی و نا آشنا به قوانین و فرهنگ آپارتمان نشینی محیط های آپارتمانی را به فضایی تنش زا تبدیل کرده است. رشد سریع جمعیت شهری و سایر عوامل ذکر شده، چاره ای جز توسعه عمودی شهرها در قالب مجتمع های مسکونی نمی گذارد؛ لیکن آنچه نیاز به توجه جدی دارد آموزش چگونگی برقراری تعامل متوازن میان فرهنگ بومی و فرهنگ آپارتمان نشینی به موازات توسعه فنی در این گونه سازه هاست.

واژگان کلیدی: آپارتمان نشینی، فرهنگ آپارتمان نشینی، شهرهای ایرانی-اسلامی، تبریز.